

چهارمین سمینار زبان و ادبیات فارسی در مرکز فرهنگ ایران وابسته به دانشکده زبان‌های شرقی دانشگاه پکن در مارس ۲۰۰۵ با شرکت استادان، محققان، دانشجویان و شماری از علاقه‌مندان چینی و ایرانی برگزار شد. این جانب نیز برای شرکت در آن سمینار و ارائه مقاله، با شوق وافر از شانگهای به پکن رهسپار شدم و هوای سوزناک و برف خیز پکن را که می‌گفتند سوزش از شمال و از مغولستان می‌آید، تا بن دندان حس کردم. دیرزمانی بود که از آسمان همیشه ابری و از آسمان‌خراش‌ها و برج‌های انبوه و سر به فلک کشیده شانگهای - شهر شانزده میلیونی جنوب شرقی چین - دیگر کمی دلتنگ شده بودم و وقتی پایم به پکن رسید، از فراخانی این سرزمین بزرگ و پهناور احساس آزادی کردم و آسمان آبی را با آفتاب نیمه جانش تنگ در آغوش کشیدم. دیدار از شگفتی‌های تاریخی فرهنگی شهر ممنوعه با برج و باروها و کاخ‌های صدگانه‌اش، مرا مبهوت می‌کرد و معبد باستانی آسمان، شهرک کاخ تابستانی در نزدیکی پردیس دانشگاه پکن، میدان تاریخی تیان‌من و ده‌ها آثار شگرف باستانی دیگر پکن، بر حیرتم می‌افزود. به طوری که احساس کردم برای شناختن عمق فرهنگ و تمدن چین یکی دو سال بسنده نیست و عمری شایسته می‌خواهد تا از هزار توی این فرهنگ شگفت‌آور با خط و زبان شگفت‌آورش سر درآورد.

باری، قصدم در اینجا گزارش مفصل از سمینار مزبور نیست، بلکه فقط گزارشی کوتاه از آن ارائه خواهم داد و آنگاه به دیدار استاد دانشمند و ایران شناس برجسته چین خواهیم رفت. زیرا چنان که خواهد آمد یکی از فرصت‌های طلایی این سمینار، آشنایی من با دانشور بزرگ و ایران‌شناس عالی مقام معاصر چین، پروفسور جان هون نین، بوده است.

سمینارهایی تحت عنوان «زبان و ادبیات فارسی» هر دو سال یک بار در بخش زبان و ادبیات فارسی دانشکده زبان‌های شرقی دانشگاه پکن، برای اشاعه و گسترش ادبیات فارسی و نیز برای تبادل نظر و ارائه جدیدترین مقالات از سوی دانشمندان و استادان چینی که به نوعی با زبان و ادبیات فارسی سر و کار دارند، با همیاری رایزنی فرهنگی ایران برگزار می‌شود. به موازات آن با یک سال فاصله زمانی، سمینار ایران‌شناسی نیز در مرکز فرهنگ ایران به میزبانی اعضای هیئت علمی این مرکز، و با شرکت جمعی از ایران‌شناسان و شرق‌شناسان به طور اعم برگزار می‌شود.

در سمینار زبان و ادبیات فارسی که به مدت چهار روز برگزار شد، چند تن از چهره‌های برجسته ادب فارسی در چین، آقای پروفسور یه‌یی لیان، پروفسور جان هون نین، خانم دکتر لی شان، خانم دکتر وانگ بی‌دان مدیر بخش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پکن و جمعی دیگر از استادان دانشگاه پکن، فرهنگستان علوم اجتماعی پکن و محققان و استادان ادب فارسی از دانشگاه لویانگ و دانشگاه اورومچی مرکز استان

گفت‌وگو

## فارسی‌پژوهی و ایران‌شناسی

### در چین

دیدار با پروفسور جان هون نین،

ایران‌شناس برجسته چین

دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور

## الف) تالیفات:

۱. فرهنگ فارسی- چینی (کار گروهی):
۲. تاریخ ادبیات فارسی، چاپ اول ۱۹۹۲، چاپ دوم (با محتوای اضافه شده) ۲۰۰۴. اخذ جایزه درجه دوم در رشته علوم انسانی در شهر پکن در ۱۹۹۴، جایزه درجه دوم در دانشگاه به عنوان تالیف شایسته در ۲۰۰۴.
۳. «آشنایی اولیه در مورد ادبیات فارسی»، منتشر شده در مجله دانشگاه ادبیات خارجی در دوره‌های ۲، ۳، ۴ سال ۱۹۸۵.
۴. «ادبیت فارسی» و «ادبیات معاصر ایران»، دو مقاله بلند برای انسکلویدی چین.



۵. «ادبیات فارسی»، بخشی از کتاب تاریخ مختصر ادبیات شرقی زیر نظر استاد جی سیان لین.
۶. «ادبیات فارسی بخش فارسی (ایران معاصر)» از کتاب تاریخ ادبیات شرقی.
۷. «نقد ادبیات فارسی»، بخشی از کتاب نقد ادبیات شرقی (زیر چاپ).
۸. تاریخ روابط چین و ایران از دوره اشکانی تا شاهرخ تیموری (زیر چاپ).

## ب) ترجمه از فارسی به چینی:

۱. داستان‌های دل‌انگیز ادبیات فارسی، زهرا خانلری، ۱۹۸۳.

شین جیان (سین کیانگ)، آقای دکتر چن تونگ مدیر بخش فارسی، و اینجانب از دانشگاه مطالعات بین‌المللی شانگهای شرکت کرده و مقالات و سخنرانی‌هایی ارائه دادند. از ایران نیز استاد فرزانه دکتر فتح الله مجتبابی، به نمایندگی از فرهنگستان زبان و ادب فارسی و دکتر بهروز افخمی ریاست دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران و دکتر مرادی به نمایندگی از مرکز گسترش زبان فارسی در این سمینار شرکت داشتند.

در جلسه افتتاحیه که با حضور سفیر جمهوری اسلامی ایران و مقامات ارشد دانشگاه پکن برگزار شد، از سه تن از دانشمندان و ایران‌شناسان پیشکسوت معاصر چین قدرانی شد و هدایایی تقدیم آنان گردید. این سه تن عبارت‌اند از پروفیسور جان هون نین، پروفیسور یه یی لیان و پروفیسور زونگ.

در اینجا بهتر دیدم که وضع زبان و ادب فارسی و ایران‌شناسی در چین معاصر را از زبان سه تن از دانشمندان و فرهیختگان پیشکسوت نامبرده بشنویم. بخش اول این نشست، شامل دیدار با استاد جان هون نین خواهد بود که به تازگی به مدت یک ماه در شانگهای به سر می‌برد. این‌جانب در دو جلسه مفصل با ایشان گفت‌وگو کرده‌ام که حاصل آن را در اینجا ارائه می‌دهم.

استاد جان هون نین به نظر من گوهری است تابناک در میان دانشمندان ایران‌شناس معاصر چین. فرزانه‌ای که هفتاد و پنجمین بهار زندگی درخشانش را می‌گذراند. او را استادی وارسته و به‌غایت صمیمی یافتیم که دیدارش شوق و ذوقی وافر در دلم برانگیخت. دانشمندی با کوله باری از دانش و مهر، با رفتار با نزاکت، ملایم، رئوف و در عین حال، با شکسته نفسی به غایت دلنشین که یادآور اخلاق نیکوی فرزنانگان کهن چینی است. به راستی چه نیک گفته‌اند که درخت هر چه پربارتر، افتاده‌تر. همسر متین و دانشمندش، سرکار خانم لی شان که بیش از سی سال در کنار او در دانشگاه پکن به تدریس و تحقیق در زمینه زبان و ادب فارسی مشغول بوده، با مهربانی تمام و با شکیبایی ویژه‌اش، در این نشست شرکت داشت و به بخشی از پرسش‌ها پاسخ گفت. نخست شرح حال علمی پژوهشی این زوج دانشور را می‌آوریم.

## شرح حال علمی پروفیسور جان هون نین:

جان هون نین متولد ۱۹۳۱ میلادی است. وی که استاد بازنشسته بخش فارسی دانشگاه پکن می‌باشد، در ۱۹۵۶ از دانشکده زبان و ادبیات روسی دانشگاه پکن و در ۱۹۶۰ از بخش فارسی دانشکده زبان‌های فارسی فارغ‌التحصیل شد. این استاد چینی از اولین گروه فارسی‌آموزان در چین بود که تماماً دارای سابقه زبان فارسی‌آموزی بودند. از ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۶ در بخش فارسی دانشگاه، زبان فارسی را تدریس کرده و تا ۱۹۸۷ ریاست بخش را نیز عهده‌دار بود. از ۱۹۸۷ تا ۲۰۰۴ عضو انجمن پژوهش ادبیات فارسی چین بود.

۵. نشان یادگار دانشگاه تهران برای هفتادمین سالگرد تاسیس دانشگاه، ۲۰۰۵.

### شرح حال علمی خانم دکتر لی شان (همسر پروفسور جان هون نین):

خانم دکتر لی شان متولد ۱۹۳۸ در شانگهای است. وی در ۱۹۵۸ وارد بخش فارسی دانشگاه پکن شد. در ۱۹۶۳ همکاری خود را با



بخش ارتباطات خارجی آغاز کرد. خانم لی شان از ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۸ به تدریس زبان انگلیسی و فارسی در دانشگاه پکن پرداخت.

### الف) تالیفات:

۱. فارسی، انتشارات اقلیت‌های ملی چین، ۱۹۹۰ (با توضیحات زبان‌های چینی و اویغوری، در توضیحات همکاری با استاد دانشگاه اقلیت‌های ملی).
۲. فارسی اساسی: کتاب درسی برای دانشجویان، انتشارات دانشگاه پکن، ۱۹۹۱، تجدید چاپ (با اصلاحات)، ۱۹۹۵.
۳. فارسی ۳۰۰ جمله، انتشارات دانشگاه پکن، ۲۰۰۴.

۲. منظومه لیلی و معجون نظامی گنجوی، ۱۹۸۵.
۳. رباعیات عمر خیام، ۱۹۹۱، پکن، ۲۰۰۲، استان هونان، ۲۰۰۱ در تایوان. کامل‌ترین آن شامل بیش از ۵۰۰ رباعی.
۴. ترجمه منظوم گزیده شاهنامه فردوسی در ۱۹۹۱ (دریافت جایزه درجه اول به‌عنوان بهترین ترجمه)
۵. ترجمه منظوم بوستان سعدی، ۱۹۸۵. تجدید چاپ، ۲۰۰۲.
۶. گلستان سعدی، ۲۰۰۲.
۷. چهار مقاله نظامی عروضی، ۲۰۰۵.
۸. شاهنامه فردوسی، ۲۰۰۲.

### ج) ترجمه از چینی به فارسی:

۱. داستان‌های چینی. ویراستار دکتر دبیر سیاقی، ۱۹۹۱.
۲. تاریخ مختصر چین، ویراستار دکتر سید محمد ترابی، ۱۹۹۱.

### د) مقالات چینی:

- مقالات بسیاری از او در مجلات مختلف چینی منتشر شده است که از مهم‌ترین آنها عبارتند از:
۱. «مقدمه سری شاهکارهای ادبیات فارسی»، ۲۰۰۲.
  ۲. «مقدمه بر ترجمه چینی رباعیات عمر خیام».
  ۳. «در مورد ترجمه‌های چینی رباعیات عمر خیام». از ترجمه فیتز جرالده.
  ۴. «شاهنامه کجا و فن شین یان ای کجا، رد نظر دانشمند هندی دکتر کویاجی».

### ه) مقالات فارسی:

۱. «سعدی در چین»، کنفرانس شیراز، ۱۹۸۴.
۲. «سرنوشت چهار قهرمان جوان در شاهنامه فردوسی»، کنفرانس هزاره شاهنامه، ۱۹۹۰ (با همکاری خانم لی شان).
۳. «فردوسی در چین»، مجله فردوسی، به مدیریت آقای دکتر اسلامی ندوشن.

### و) بزرگداشت و تجلیل:

۱. جایزه مرکز بین‌المللی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران، ۱۹۹۱.
۲. جایزه ششمین دوره بنیاد محمود افشار در رشته ادبیات و تاریخ، ۱۹۸۹.
۳. لوح افتخار از طرف رئیس جمهور ایران، آقای محمد خاتمی، ۲۰۰۰.
۴. لوح افتخار از طرف سازمان روابط بین‌الملل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران، ۲۰۰۵.

## ب) مقالات:

۱. «تربیت ایران در روزگار قدیم»، مجله تاریخچه فرهنگ

شرقی، ۱۹۸۷.

۲. «آموزش زبان فارسی در چین»، دومین سمینار ایران‌شناسی،

۱۹۹۷. انتشار در مجله نامه پارسی سال سوم، شماره دوم، تابستان

۱۳۷۷.

۳. «درباره تدوین کتب درسی فارسی و تدریس آن»، چهارمین

سمینار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پکن، ۲۰۰۴.

## ج) ترجمه:

پرونده، از فیلم ایران، ۱۹۸۵.

\*\*\*

جناب پروفیسور، ما دوست داریم درباره شما بیشتر بدانیم، البته بنده خلاصه بیوگرافی و آثار شما را خواندم.

شما حدود سی و شش سال در دانشگاه پکن تدریس کردید. شاهنامه فردوسی، بوستان و گلستان سعدی، لیلی

و مجنون نظامی گنجوی، رباعیات خیام و خیلی آثار دیگر را به زبان چینی ترجمه کردید. من برای اینکه ایرانی‌ها با

شما، آثار، کار و زندگی شما بیشتر آشنا بشوند، چند سؤال در این باره مطرح می‌کنم. شما کجا متولد شدید، آیا در

خود پکن به دنیا آمدید؟ کمی درباره پدر و مادرتان بگویید و مشوق‌تان چه کسی بوده؟ از دوران کودکی و جوانی چه

خاطره‌ای دارید؟

\* من در ۱۹۳۱ در استان شاندون در شهر لینگ جین که شهری کوچک و متوسط است به دنیا آمدم. شاندون در شمال چین است. پکن

در استان «خبه» است و در واقع شاندون و خبه دو استان همسایه‌اند. من فقط چند سال در وطن خودم زندگی کردم. وطن من بین شهر پکن

و چی جینگ است. من تقریباً در کلاس سوم دبستان بومم که به پکن رفتم. پدر و مادرم در ۱۹۴۳ به پکن مهاجرت کردند. دبیرستان را هم

در پکن بومم. سه سال دوم دبیرستان را در دبیرستان اول شهرداری بومم و دیپلم گرفتم. بعد از دیپلم به دانشگاه پکن رفتم.

من در بیوگرافی شما خواندم که قبل از تحصیل در زبان و ادبیات فارسی، در رشته زبان و ادبیات روسی تحصیل

کردید.

\* بله، الان هم خواندن متون روسی را بلدم، کتاب و مجله را می‌توانم به روسی بخوانم، اما صحبت کردن یادم رفته، چون سال‌های

سال گذشته است.

آیا فقط زبان روسی می‌خواندید یا متون ادبی را هم می‌خواندید؟

\* ادبیات و زبان هر دو را می‌خواندیم. از ادبیات روسی، من آثار

پوشکین و لرماتوف را خیلی خواندم و به آنها علاقه دارم. آثار تولستوی و ماکسیم گورکی را هم به روسی خوانده‌ام. رمان‌های روسی قرن نوزدهم جزو شاهکارهای ادبیات جهان است.

استادان شما فقط چینی بودند یا استاد روسی هم داشتید؟

\* هر دو. ما هم از استاد چینی و هم از استاد روسی بهره‌مند شدیم. نکته جالب توجه در مورد لرماتوف این است که او به آثار نظامی،

مخصوصاً لیلی و مجنون خیلی علاقه داشت و حتی سعی کرد که زبان فارسی یاد بگیرد. برای همین به قفقاز رفت و مطالبی درباره نظامی

نوشت و تحت تاثیر او بود. پوشکین هم تحت تاثیر حافظ بود و درباره خیام هم مطالبی گفته است.

البته می‌دانید ادبیات مدرن روسی بر ادبیات مدرن فارسی تاثیر زیادی گذاشته است.

\* بله، در دوره مشروطه، در شمال ایران، از طریق قفقاز، گیلان و مازندران، ادبیات و افکار جدید انقلابی روس تاثیرگذار بوده است و در

میان روشنفکران نفوذ زیاد داشته است.

برای من خیلی جالب است که در ۱۹۴۹ که سال تاسیس جمهوری خلق چین است، شما ۱۷ ساله بودید.

به‌خصوص که در پکن بودید و انقلاب چین در آنجا به پیروزی رسیده، باید خاطراتی داشته باشید.

\* بله، آن روزها هنوز برای من زنده است. چون در آن وقت من در سال چهارم دبیرستان بومم و تازه وارد سال پنجم شده بودم. آن وقت‌ها

خیلی پرشور بود. من با ارتش آزادی بخش سرخ همکاری داشتم و برای استقلال میهنم خدمت کردم.

آیا مائوتسه دونگ را هم دیده بودید؟

\* بله، از دور، یعنی وقتی که در اجتماعات انقلابی سخنرانی می‌کرد، او را می‌دیدم. مخصوصاً در میدان تیان‌من در جلسه‌ای که با هوشی مین

داشت. در این جلسه میتینگ برگزار شد که هر دوی آنها از جلوی ما رد شدند.

همان سال‌ها مبارزه بین مائوئیست‌ها و ملی‌گرایان بوده و ملی‌گرایان در آن وقت به جنوب چین عقب‌نشینی کرده بودند. درست است؟

\* این مربوط به خیلی سال‌های پیش است. سال‌های خیلی سختی بود. آنچه من به یاد دارم این است که ارتش سرخ، پکن را محاصره

کرده بود. دانشگاه‌ها و مدارس بسته شد. در آن وقت ارتش کومین دان (نیروهای حزب ملیتاریست‌ها) برنامه‌ای داشتند که از جوانان شهر پکن

در کار تهیه ساختمان دفاعی‌شان کمک بگیرند. ولی چون اوضاع بسیار سریع دگرگون شد، آنها موفق نشدند در مقابل ارتش آزادیبخش نبرد

کنند و زود تسلیم شدند و این برنامه اجرا نشد.

ملی‌گرایانی که بعدها به تایوان فرار کردند، آیا

**همان‌هایی بودند که درون پکن جبهه گرفته بودند؟**

\* بله، همان‌ها بودند. اما دکتر سون یاتسن اولین جمهوری ملی را در ۱۹۱۱ بنیانگذاری کرده بود. پس از سون یاتسن، رهبری ملی کشور به دست ملی‌گراها بود تا ۱۹۴۹ که کمونیست‌ها به رهبری مائوتسه دونگ پیروز شدند.

**احتمالا به دلیل جنگ ژاپن. چون در دوره جنگ، همه نیروها از جمله چیان کای چک و مائونیست‌ها همه با هم متحد شده بودند و با نیروهای مهاجم ژاپنی می‌جنگیدند؟**  
\* بله در دوره جنگ، همه مردم و همه گروه‌ها، احزاب و ملیت‌ها و اقلیت‌ها متحد شده بودند.

**آیا شما از دوره جنگ ژاپنی‌ها چیزی به یاد دارید؟**

\* در آن دوره من در پکن بودم. در جنگ جهانی دوم، دوره سختی بود. ژاپنی‌ها با بی‌رحمی میلیون‌ها چینی را کشتند. تا جایی که من اطلاع دارم در مدت ۸ سال جنگ علیه اشغالگران ژاپنی جمعاً ۳۰ میلیون چینی کشته شده یا مردند. این فاجعه بزرگی است.

**آیا شما در جنگ شرکت کردید؟**

\* نه سن من هنوز اجازه نمی‌داد. ما زیر سلطه ژاپنی‌ها قرار داشتیم، دوران تلخی بود. سه سال ژاپنی یاد گرفتیم. در آن زمان آموزش ژاپنی برای چینی‌ها اجباری بود. در هر مدرسه‌ای یک ژاپنی به عنوان نماینده ارتش ژاپن بود که هم به ما زبان یاد می‌داد و هم اوضاع مدرسه را کنترل می‌کرد و گزارش می‌داد.

**زمانی که کمونیست‌ها پکن را محاصره کردند، آیا ژاپنی‌ها هم در پکن حضور داشتند؟**

\* نه خیر، ژاپنی‌ها نبودند. از آن زمان کنترل ژاپن، چهار، پنج سالی می‌گذشت، ژاپنی‌ها دیگر از چین بیرون رانده شدند. در آن وقت که ملی‌گراها نانجینگ را پایتخت خود قرار داده بودند. بعدها که مائو و انقلاب سرخ به پیروزی رسید، پکن یا بی‌جینگ پایتخت شد. بی‌جینگ یعنی پایتخت شمال. پس از رفتن ژاپنی‌ها، که تسلیم شده بودند، ملیتاریست‌ها یا همان ملی‌گراها که به نیروی کمین تانگ هم معروف بودند با کمونیست‌ها جنگیدند. وقتی ژاپنی‌ها تسلیم شدند، ما خیلی خوشحال شدیم. چون چینی‌ها سال‌ها در عذاب بودند. اوضاع سخت تغییر کرد. بعد جنگ بین دو حزب ادامه یافت تا پیروزی خلق چین در ۱۹۴۹ که امسال پنجاه و پنجمین سالگرد آن را جشن گرفتیم.

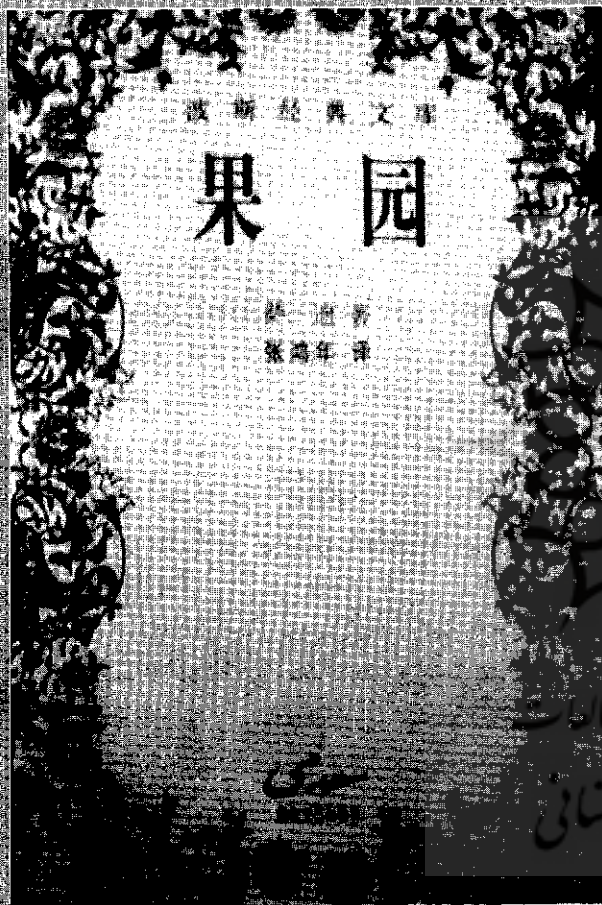
**کمی در مورد پدر و مادرتان بگویید.**

\* پدر من کارمند پایین رتبه‌ای بودند. تخصص کشاورزی داشتند و تقریباً تمام عمر در رشته کشاورزی خدمت کرده بودند. مادرش دختر یکی از روشنفکران شهرستانی بودند. خود مادرم کم و بیش سواد داشتند به ویژه درباره داستان‌های ملی علاقه داشتند، هنگامی که در طفولیت بودم شنیدن حکایت از مادرم یکی از تفریحات دل‌انگیز من بود.

**شما بعد از آن که لیسانس زبان و ادبیات روسی گرفتید،**

**چطور شد که به زبان‌های خاوری و زبان فارسی علاقه‌مند شدید؟**

\* من بعد از گرفتن لیسانس، یک سال در دانشکده زبان و ادبیات روسی به عنوان معلم روسی تدریس کردم. بعد چون در دانشگاه پکن در دانشکده زبان‌های شرقی، یک کلاس فارسی تشکیل داده بودند، من هم شرکت کردم. شاگردان بایستی پایه زبان خارجی داشته باشند تا از طریق متون خارجی، مثلاً روسی، زبان فارسی را سریع‌تر بیاموزند. دو سه نفر زبان انگلیسی آموخته بودند و ما چند نفر هم که زبان روسی خوانده بودیم، در کلاس زبان فارسی شرکت کردیم. کتاب‌های درسی



زبان فارسی را که به زبان روسی تدوین شده بود می‌خواندیم.

**پس شما در واقع جزو دانشجویان اولین دوره زبان و**

**ادبیات فارسی در چین معاصر بودید.**

\* بله، قبل از ما اصلاً کرسی زبان فارسی در چین نبود.

**آیا استادانی که فارسی درس می‌دادند چینی بودند؟**

\* بله چینی بودند. یکی از استادان به نام شائو سون چونگ بود که تخصصش تاریخ مغول بود. او فارسی را در دانشگاه کمبریج آموخته بود و استاد ما بود. استاد دیگرمان، زاهما، که افغان بود از دانشگاه کابل به پکن آمده بود. این استاد از حدود ۱۹۷۱، چهار سال در اینجا تدریس

کرد.

### شما چند سال فارسی خواندید؟

\* سه سال تمام زیر نظر همان استاد چینی فارسی خواندیم.

### چند نفر بودید؟

\* اول سیزده نفر بودیم. بعدها فقط پنج نفر ماندیم. بقیه یا رد شده بودند یا تغییر رشته دادند.

آیا از آن چهار نفر دیگر به غیر از شما، کسانی بودند که ادبیات فارسی را ادامه دادند و به جایگاهی رسیدند؟

\* دو نفر بودند که در وزارت امور خارجه به خدمت گمارده شدند. یک نفر مرحوم شده، نامش هون شی چن، کنسول جمهوری خلق چین در افغانستان بود. یکی دیگر لی ای چو الان بازنشسته شده و در امور سیاسی مربوط به ایران تخصص دارد.

### آیا پروفیسور یه یی لیان با شما هم دوره بودند؟

\* نه ایشان فارسی را در افغانستان خواندند و از دانشگاه کابل فارغ التحصیل شدند. بعدها در دانشگاه پکن با هم همکار شدیم.

### آیا هم زمان با شما در دانشگاه کابل درس می خواندند.

\* یک سال دیرتر از ما بود، اما ما با هم در تحصیلات و به خصوص تدریس در دانشگاه پکن سال ها همکار نزدیک بودیم. یک استاد به نام زن یان شن الان در پکن هستند که مسئول تدوین فرهنگ چینی - فارسی و با آقای دکتر ستوده همکارند.

آیا در همین دوران دانشجویی بود که با همسر تان آشنا شدید. خانم لی هم در رشته زبان و ادبیات فارسی تحصیل کردند و سال های سال پا به پای شما در دانشگاه پکن تدریس کرده و خودشان یکی از استادان برجسته ادبیات فارسی در چین اند.

\* بله ایشان یک سال دیرتر از من در کلاس زبان فارسی شرکت کردند که با هم آشنا شدیم. او دو سال زبان انگلیسی آموخته بود که وارد بخش فارسی شد. او برای یاد گرفتن زبان فارسی از دانشگاه زبان خارجی به دانشکده زبان های شرقی منتقل شد.

شما با خانم لی شان همان سال ها که دانشجو بودید، ازدواج کردید؟

\* در سال ۱۹۶۵ بعد از پایان تحصیلات با هم ازدواج کردیم. ما دو فرزند پسر داریم.

### فرزندان شما در چه رشته هایی تحصیل کردند؟

\* پسر دوم ما، تخصص زبان فارسی دارد. در همین دانشگاه پکن تحصیل کردند و الان در وزارت امور بازرگانی چین مشغول کارند و با ایران هم در ارتباط اند. او سی و دو سال دارد. پسر اولم تخصصش زبان انگلیسی است و الان در پکن کار می کند. هر دو ازدواج کرده اند.

جناب پروفیسور، شما در این فاصله بعد از تحصیل، بلافاصله در همانجا مشغول به کار شدید؟

\* بله، ما بلافاصله در همان دانشکده شرق شناسی دانشگاه پکن

استخدام شدیم و بخش فارسی را فعال کردیم.

در آن زمان، یعنی دهه ۶۰ میلادی چند استاد در بخش زبان فارسی فعالیت داشتند؟

\* اول سه نفر بودیم. من، استاد یه یی لیان و استاد زن یان شن. آقای زونگ هم در افغانستان تحصیل کرده بودند.

پس شما سه استاد در واقع هسته اصلی کرسی زبان و ادبیات فارسی در چین معاصر هستید؟

\* بله، ما در آن موقع در کل چین فقط دو کلاس زبان فارسی داشتیم. در آن موقع در شهرهای دیگر چین - شانگهای و لویانگ - مثل امروز کرسی زبان فارسی نداشت.

این خیلی ارزشمند و افتخارآمیز است چون همه استادان و محققان چینی که بعدها به مجموعه زبان و فرهنگ فارسی و کلا به ایران شناسی پرداختند، در واقع جزو شاگردان شما بودند. در این فاصله چند بار به ایران سفر کردید؟

\* اولین بار در ۱۹۷۷ به عنوان مترجم به ایران سفر کردم. در آن وقت ما با یک هیئت بلند پایه چینی به تهران و بعد به اهواز رفتیم تا از کارخانه لوله سازی اهواز دیدن کنیم و قرارداد همکاری ببندیم. در آن وقت کارخانه لوله سازی اهواز، خط تولیدی بسیار مترقی داشت. در سراسر جهان آن روز چهار مرکز مهم لوله سازی بود که یکی در آلمان، یکی در امریکا، یکی در ژاپن و یکی در ایران بود. دولت چین که در آن زمان با امریکا ارتباط نداشت، می خواست از طریق ایران این تکنولوژی را به دست آورد. چین در آن زمان با ایران روابط خوب و نزدیک داشت.

### از اولین سفر خود به ایران، چه خاطره ای دارید؟

\* ما از تهران به اصفهان و بعد به اهواز رفتیم.

### اصفهان را چگونه دیدید؟

\* خیلی عالی است. معماری و سنت باستانی اصفهان بی نظیر است و در کمتر جایی دیده می شود. آن میدان باشکوه، بنای عالی قابو و مسجد بزرگ کنار بازار بزرگ سرپوشیده اصفهان که نشانه عظمت و شکوه باستانی ایران است. در آن زمان که ما از ایران دیدن کردیم، ایران پیشرفته تر از چین بود. چین در اواخر دهه هفتاد میلادی تازه تکان خورده بود و ترقی اش را در سی ساله اخیر به دست آورد. در آن زمان چین خیلی فقیر بود. در شمال شرقی چین زندگی بسیار تلخ بود. برای یک ماهی مردم زد و خورد می کردند. جمعیت زیاد بود و هنوز تحولاتی نشده بود. سیاست اشتباه پیشین باعث فلاکت مردم شده بود. در آن زمان بعضی از ماموران می گفتند ما علف سوسیالیستی را می خواهیم نه گل کاپیتالیستی را. دائم در فکر مبارزه بودند. کارگران نایستی درباره تولید صحبت می کردند، بلکه فقط درباره مبارزه باید حرف می زدند. هیچ حقوقی برای تحصیل کرده ها و روشنفکران وجود نداشت.

## ظاهرا بسیاری از نویسنده‌ها و شاعران در آن دوره تبعید شدند یا سکوت اختیار کردند یا گشته شدند.

\* بله، روشنفکران را در آن زمان آزار می‌دادند و سرکوب می‌کردند. این بیشتر در دوره انقلاب فرهنگی چین بود. یعنی از حدود ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۶، ده سال دوره انقلاب فرهنگی چین باعث سرکوب استادان و متخصصان و روشنفکران شد. قبلا هم سخت بود، ولی بهتر بود. آزادی و نظم نبود. گارد سرخ متشکل از فرزندان کارگران، کشاورزان و نظامیان بود و آنها همه امور را به دست داشتند. آنها پارچه سرخی به بازو می‌بستند و ما استادان در آن زمان باید جلوی آنها سر فرود می‌آوردیم و هرچه می‌گفتند باید عمل می‌کردیم. به خصوص تحصیل کرده‌ها و روشنفکران را خیلی اذیت می‌کردند. مثلا استادی که در اروپا یا آمریکا تخصص گرفته و برگشته که به مردم خدمت کند یقه‌اش را می‌گرفتند و او را به همکاری با غرب و کاپیتالیست‌ها محکوم می‌کردند. حتی تهمت جاسوسی به آنها می‌زدند، و اگر برای کنفرانس‌های علمی به اروپا می‌رفتند، پس از بازگشت به آنها تهمت می‌زدند و تحت نظارت گارد سرخ بودند. استادی را سراغ دارم که دولت کمین‌تان او را با بورس تحصیلی به آمریکا فرستاده بود و او هم در رشته علوم شیمیایی تخصص گرفته بود و به چین برگشت تا خدمت کند. می‌توانست در همان آمریکا بماند و زندگی خوبی داشته باشد، اما با آخرین کشتی قبل از آزادی کشور به چین آمد. ولی زیر سلطه گارد سرخ به سختی زندگی کرد. همیشه او را به چشم جاسوس نگاه می‌کردند.

## بعد از انقلاب فرهنگی، ظاهرا چینی‌ها نفس تازه‌ای کشیدند و ملت کلا خاطره خوبی از آن دوره ندارد؟

\* بله، به نظر من، نسبتا بهتر شده بود. بعدها هم تغییرات بنیادی انجام شد. اما هنوز تغییرات اساسی هست که باید انجام شود. البته خیلی بهتر شده است. ما در گذشته اصلا حق نداشتیم با یک استاد خارجی آزادانه صحبت کنیم یا اجازه مصاحبه با روزنامه یا مجله خارجی داشته باشیم. الان آزادی بیشتر شده است. کسی دیگر نمی‌پرسد که برای چه مصاحبه کرده‌اید و چه گفته‌اید. در گذشته اصلا جرئت نداشتیم این کار را بکنیم.

## خوب استاد، بار دومی که به ایران سفر کردید، کی بود؟

\* در ۱۹۸۴ برای شرکت در کنفرانس سعدی.

## آیا با خانم تان به ایران سفر کردید؟

\* نه با یک مترجم گلستان سعدی. البته او گلستان را از انگلیسی به چینی برگردانده بود. به هر حال ما با هم به ایران رفتیم. اول به تهران رفتیم بعد به شیراز.

## آیا در تهران به دانشگاه تهران یا ملاقات استادانی هم رفتید؟

\* به دانشگاه تهران نرفتم، ولی با آقای دکتر ستوده ملاقات داشتیم.

او یکی از گروه سه استادانی بود که قبلا به چین اعزام شده بودند و با من آشنایی داشت. من با او در تدوین فرهنگ فارسی به چینی کار کرده بودم. آقای دکتر ستوده، آقای دکتر شریعت و خانم دکتر پوراندخت شجیعی هم در این کار همکاری داشتند.

## بعد وقتی به شیراز رفتید، با چه کسانی دیدار کردید؟

\* در آن زمان گویا آقای دکتر شهیدی هم بودند. سال ۱۹۸۴، حدود پنج سال بعد از انقلاب بود. استادی به نام سروش هم بود که شعر خوب می‌سرود.

## آیا با مرحوم دکتر غلامحسین یوسفی مصحح گلستان



## و بوستان سعدی، در همین کنفرانس سعدی شناسی آشنا شدید؟

\* مرحوم دکتر یوسفی هم در این کنفرانس حضور داشتند، اما من بعدها با او آشنا شدم.

## در کجا آشنا شدید؟

\* در تهران، با معرفی آقای دکتر دبیرسیاقی با ایشان آشنا شدم و از دانش او بهره مند شدم.

## آشنایی شما با دکتر دبیر سیاقی تا چه اندازه بود؟

وطن کشته شوم. این خیلی عالی است. دیدم که کامیون در خیابان آرام آرام می‌رود و مردم به‌خصوص زنان حتی طلا و گردنبند والنگوی خود را برای جنگ هدیه می‌کردند. خیلی باشکوه است. واقعا این میهن‌پرستی ایرانیان تکان‌دهنده است.

### اخلاق مردم ایران را چگونه دیدید؟

\* آنچه من دیدم، خیلی خوب بود. هیچ خاطره بدی ندارم. یک وقتی من به مشهد سفر کردم و در آنجا گم شدم. و یک راننده به من کمک کرد مقصدم را پیدا کنم. ناگفته نماند که من مقبره فردوسی و خیام را زیارت کردم.

**البته باید هم زیارت کرده باشید. چون شما مترجم شاهنامه فردوسی و رباعیات خیام به زبان چینی هستید پس، باید به این دو شاعر و حکیم ایرانی خیلی علاقه داشته باشید.**

\* به هر حال، من در تعطیلات نوروزی به مشهد رفتم. مشهد شهر زیبایی است. رنگ و بوی شرقی دارد، در حالی که تهران این طور نیست. خودم به مشهد رفته بودم. یکی با ماشین مقابل من توقف کرد و گفت کجا می‌روید. گفتم که برای دیدن یک استاد می‌روم. سوار شدم. گفتم چقدر باید پول بدهم، گفت نمی‌خواهد. و مجانی مرا به مقصد برد، هر چند نتوانستم استاد ایرانی را پیدا کنم، اما برخورد انسانی این راننده برای من شوکت‌آور و درس‌آموز بود.

**ممکن است استادان چینی را که در بخش فارسی تدریس نکرده باشند، ولی شاید ایران‌شناس یا شرق‌شناس بوده باشند، معرفی کنید و بگویید چه آثاری نوشته‌اند؟**

\* ما یک مجموعه شاهکارهای ادب فارسی و آثار ایران‌شناسی تدوین کردیم که در مجموع هفت ایران‌شناس چینی با آن همکاری داشته‌اند، همه‌شان استاد فارسی‌دان‌اند و آثاری از فارسی به چینی ترجمه کرده‌اند. سین بین شون که هم‌کلاسی من بود. ایشان در اداره زبان خارجی کار می‌کرد و برای پانزده سال در بخش فارسی فعال بود. او آثار زیادی از چینی به فارسی ترجمه کرده است. از جمله آثار مائوتسه دونگ که به زبان فارسی چاپ شده است و فرهنگ زبان فارسی - چینی. او به عنوان رایزن فرهنگی شش سال در ایران خدمت کرد همچنین به عنوان رایزن فرهنگی جمهوری خلق چین در اتحاد جماهیر شوروی کار کرد. اکنون مدتی است که به چین برگشته و ما در سلسله انتشارات ایران‌شناسی چین از او دعوت کردیم که با ما همکاری کند. دیوان غزلیات حافظ را او به چینی ترجمه کرده است.

**شما کل شاهنامه فردوسی را با همکاری یکی از استادان دیگر فارسی ترجمه کرده‌اید، می‌توانید بیشتر توضیح بدهید؟**

\* بله، آقای سون پی فان هم‌کلاسی خانم بنده بودند. ایشان فارسی و چینی را خیلی خوب می‌داند. البته کسانی هستند که فارسی می‌خوانند

\* ما ایشان را برای شرکت در سمیناری به پکن دعوت کردیم و در آنجا با او آشنا شدم. او در دانشگاه پکن یک سمینار هفتگی به مدت سه ماه برگزار کرده بود و ما از او خیلی چیزها آموختیم. در آن موقع، ما به غیر از کلاس‌های رسمی، یک کلاس کوتاه‌مدت داشتیم که دانشجویان آن از شهرستان تاشغورگان تاجیکستان می‌آمدند. خانم لی به آنها فارسی می‌آموخت. فارسی زبان مادری‌شان بود، ولی مجبور شدند که طردش کنند. اینجا منظور از تاجیکی، تاجیکی‌های چینی بود. در سین جیان یک شهرستان تاجیکی موجود است به نام تاشغورگان، حدود ۱۸ نفر برای احیای زبان مادری‌شان به چین می‌آمدند.

### چه مدت در شیراز بودید؟

\* فکر می‌کنم یک هفته.

### آیا از تخت جمشید هم بازدید کردید؟

\* بله، خیلی باشکوه است. عظمت فرهنگ باستانی کهن را در ستون‌های بازمانده تخت جمشید می‌توان مشاهده کرد. از حافظیه و سعدیه هم دیدن کردم.

### اصفهان را بیشتر دوست دارید یا شیراز را؟

\* هر دو را. شیراز البته قدیمی‌تر است و جنبه باستانی‌اش بر اصفهان می‌چربد، اما اصفهان هم روح دیگری دارد. بیشتر معماری سنتی و روح اسلامی دارد. بناهای اصفهان مجلل‌تر است.

### استاد، از سفر سوم خود به ایران نگفتید.

\* من به دعوت آقای دکتر شهیدی شش ماه مهمان دانشگاه تهران بودم.

### در این مدت در کجا زندگی می‌کردید.

\* در خیابان ولی عصر، در ساختمان لغت‌نامه دهخدا که محل کارم بود. با آقای دکتر شهیدی و دکتر دبیرساقی و دکتر ستوده کار می‌کردم. با آقای دبیرساقی و ستوده شاهنامه خواندم. با آقای دکتر شهیدی مثنوی مولوی را خواندم. من بیت به بیت شاهنامه را در ایران خواندم.

### با مطالعاتی که جناب عالی درباره تاریخ و فرهنگ و ادب ایران داشتید و با توجه به اینکه شش ماه در ایران زندگی کردید، کلا مردم ایران را چگونه دیدید؟

\* در این شش ماهی که من در ایران زندگی کردم، دوره جنگ عراق علیه ایران بود. شب‌های بمباران تهران را در آن زمان من هم تجربه کردم. من در هتل استقلال تهران زندگی می‌کردم. مردم در آن زمان روزهای سختی را پشت سر می‌گذاشتند. میهن‌پرستی ایرانیان برای من از همه خصوصیات دیگرشان برجسته‌تر است و بیشتر در ذهن من مانده است. این وطن‌پرستی ستایش‌انگیز است. و شهادت دلیرانه جوانان برای من باور نکردنی بود. من خودم روزی به جوانی برخورددم که یونیفورم بسیجی به تن کرده بود و از او سوال کردم کجا می‌روی گفت به جبهه می‌روم و گفت که این افتخار من است که بروم و در راه



و می‌فهمند، ولی مطالعه کمی برایشان دشوار است. چون به سبب عدم کاربرد یادشان رفته است.

**چه مدت طول کشید که شما شاهنامه را ترجمه کردید؟**

\* من از همان وقت که در ایران بودم، کار ترجمه شاهنامه را شروع کرده بودم. ولی همکار من کمی دیرتر ترجمه کرد. ما در مجموع پنج سال روی شاهنامه با هم کار کردیم، اما اندازه کار ایشان نیز کمتر از من نیست و با من برابر است.

**این شاهنامه به زبان چینی در چند جلد چاپ شده است؟**

\* در شش جلد و سه هزار نسخه چاپ شده است.

**در مورد شاهنامه سؤالات دیگری دارم که بعداً مطرح می‌کنم. اما الان می‌خواهم بدانم که چند جلد از مجموعه شاهکارهای ادبیات فارسی به چینی تاکنون چاپ شده است؟**

\* تاکنون حدود ۱۷ جلد چاپ شده است. مجموعه ۶ جلدی مثنوی معنوی، مجموعه ۶ جلدی شاهنامه، دیوان حافظ، رباعیات خیام، گلستان و بوستان سعدی و اشعار رودکی به قلم، استاد جان خوبی، ایشان قبلاً آثار خیام و نظامی را ترجمه کرده است. غیر از رباعیات خیام، مجموعه دیگری از رباعیات فارسی را نیز ترجمه کرده است.

**رباعیات خیام را شما هم به چینی ترجمه کرده‌اید؟**

\* بله من و او هر دو آن را ترجمه کرده‌ایم، آقای سین نیوشون هم از خیام ترجمه کرده است. در حقیقت چند ترجمه از رباعیات خیام به زبان چینی وجود دارد. یک خانم هم از فرهنگستان علوم اجتماعی مثنوی مولوی را ترجمه کرده است. ایشان چهار جلد مقاله از مثنوی را به تنهایی به چینی برگردانده است. دو جلد دیگر را خانم وانگ ایدان، رئیس بخش زبان فارسی دانشگاه پکن و آقای جان خوبی و آقای یوان یولی جی و آقای سون پی فان ترجمه کرده‌اند. هر کدام یک بخش را ترجمه کرده است. آقای دکار یوان وین چی از فرهنگستان علوم اجتماعی پکن درباره آثار زرتشتی تحقیقات مهمی انجام داده و درباره دوآلیسم یا تنویت در ایران باستان کتاب نوشته است. کتابش را خواندم خیلی عالی است.

**شما هم ظاهراً دارید تحقیقاتی در این زمینه انجام می‌دهید؟**

\* بله، دین زرتشتی برای من جالب است. من یکی از آثار پروفیسور مری بویس درباره زرتشتیان را خواندم. ایشان ظاهراً مدتی در روستاهای یزد در میان زرتشتی‌ها زندگی کرده و درباره فرهنگ آنها کتاب مهمی تألیف کرده است.

**بله، غیر از این کتاب زرتشتیان، بویس یک کتاب چند جلدی هم درباره تاریخ کیش زرتشت نوشته که سه جلد**

**آن تاکنون به فارسی ترجمه شده است.**

**\* چه کسی آن را ترجمه کرده است؟**

**الان خاطر من نیست، ولی می‌دانم که یکی از دوستان استاد ایرج افشار و به توصیه او آن را ترجمه کرده است.**

\* هان، من آقای دکتر ایرج افشار را می‌شناسم. ایشان دو بار به چین سفر کرده‌اند. در ایران هم ایشان را دیده‌ام. ایشان در زمینه نسخ خطی فارسی و عربی در چین تحقیق کرده‌اند.

**این همه سالی که شما در پکن تدریس کردید، خیلی طولانی است. سی و شش سال تمام. حتماً در این سی و شش سال شاگردانی داشتید که راه شما را دنبال بکنند و محقق و مترجم ادبی شوند؟ مثلاً همین خانم دکتر وانگ یی دان آیا شاگرد شما بودند؟**

\* من در ۱۹۹۶ بازنشسته شدم. بله، خانم وانگ یی دان شاگرد من هم بودند. همچنین خانم مو هون یان که مثنوی مولوی را ترجمه کرده، یا خانم وانگ یی دان در دوره فوق لیسانس شاگرد من بودند. خیلی از شاگردان بودند که پس از فارغ‌التحصیلی در زبان فارسی به وزارت امور خارجه یا وزارت بازرگانی یا به رادیو بین‌المللی پکن رفتند و خدمت کردند. یوان وین جی که درباره آیین زرتشتی کتاب نوشته از شاگردان من بودند. الان که من شاگرد ایشان هستم. تحقیقات وسیعی انجام دادند. بیشتر در رشته علوم سیاسی شاگردانی به مقامات عالیہ رسیدند. مثلاً سفیر چین در ایران پس از آنکه من فارغ‌التحصیل شدم به بخش ما آمدند و هم‌کلاسی خانم لی بودند. آقای هوالی مین در ایران و هلند خدمت کرده است. در رشته فارسی تحصیل کردند. فارسی او خیلی عالی است و مرتب در رادیو و تلویزیون سخنرانی و میزگرد دارند.

**شما از دوره‌های تاریخی ایران، از هخامنشیان، اشکانیان، ساسانیان تا دوره‌های اسلامی به کدام دوره بیشتر علاقه‌مندید و مطالعات خود را در آن متمرکز کرده‌اید؟**

\* مشکل است بگویم... من اصولاً بیشتر به متون ادبی گرایش دارم و تخصص من بیشتر ادبیات فارسی است. تحقیقات و ترجمه‌های من بیشتر درباره شاهکارهای ادب فارسی به خصوص شاهنامه بوده است. در دو سال اخیر هم درباره دین زرتشت مطالعه کرده‌ام.

**اخیراً در ایران کتاب‌های فراوانی درباره ساسانیان تألیف یا ترجمه شده و تحقیقات جدیدی درباره فرهنگ ساسانی در دنیا چاپ شده است.**

\* بله، دوره ساسانی جزو مهم‌ترین دوره‌های فرهنگی اجتماعی ایران بوده است و نسبت به دوره اشکانی، آثار بیشتری از آن باقی مانده است. از اشکانیان بیشتر آثار هنری و معماری در دست است تا آثار نوشتاری.

**آیا در پکن غیر از بخش زبان و ادبیات فارسی، مرکز**

## ایران شناسی هم هست؟

\* بله، در ۱۹۹۱ به پیشنهاد دکتر سید جعفر شهیدی، مرکز فرهنگ ایران در پکن تأسیس شد. خود ایشان به اینجا آمده بودند و سخنرانی داشتند و مرکز را افتتاح کردند.

## این مرکز تاکنون چه کارهایی کرده است؟

\* مرکز ایران شناسی به مدیریت آقای یه یی لیان، تاکنون سه یا چهار سمینار برگزار کرده و از استادان ایرانی هم دعوت به عمل آمده است. این سمینارها غیر از سمینارهای زبان و ادبیات فارسی است که تا کنون چهار دوره برگزار شده است.

## فکر می‌کنم موضوع تأثیر دین زرتشتی در چین موضوع تازه‌ای باشد. چون در این باره کم کار شده، با توجه به

اینکه دین زرتشتی از طریق جاده ابریشم وارد چین شد و تا چند دوره در اینجا به‌ویژه در غرب چین پیروانی داشته است و اسناد چینی‌ای وجود دارد که دربارهٔ تشکیلات زرتشتی در چین اطلاعات دست اول دارد.

\* بله، آیین زرتشتی در چین قرن‌ها تأثیر داشته است. کار دشواری است. اروپایی‌ها دربارهٔ کیش زرتشت و آثار اوستایی تحقیقات گسترده‌ای کرده‌اند، اما دربارهٔ تأثیر این دین در فرهنگ چینی، کمتر تحقیق شده است بازگنان ایرانی که از طریق جادهٔ ابریشم به آسیای مرکزی و چین می‌آمدند، آیین خود را هم در این نواحی گسترش دادند. بسیاری از زرتشتیان پس از ظهور اسلام به چین مهاجرت کردند. ما برنامه‌ای تحقیقی در دست داریم و دربارهٔ تأثیر اوستا بر شاهنامه تحقیق می‌کنیم.

## می‌دانید که شاهنامه سه بخش

اساطیری، حماسی و تاریخی دارد. شما به کدام بخش بیشتر علاقه مندید؟

\* من به بخش اساطیری بیشتر علاقه‌مندم. بخش اساطیری شاهنامه قدیم‌ترین لایه‌های نیمه‌تاریخی و نیمه‌افسانه‌ای ایران را وصف می‌کند. داستان‌های کهن کیومرث، جمشید و فریدون و غیره در واقع لایه‌های باستانی و زیرساخت تاریخ باستانی ایران را شرح می‌دهند، ولی افسانه‌ای یا بهتر بگویم رنگی اساطیری دارند. اسطوره‌ها خود تهرنگی از حقیقت را در خود نهفته دارند و این اسطوره‌شناس است که باید حقایق را از دل اسطوره‌ها بیرون بکشد.

کدام داستان اساطیری شاهنامه بیشتر مورد توجه بوده و شما را جذب کرده است؟

\* تراژدی رستم و سهراب، رستم و اسفندیار و داستان ایرج جزو شاهکارهای ادب فارسی است و داستان سیاوش. به نظرم با شکوه‌ترین داستان شاهنامه داستان سیاوش و شهادت اوست.

## آیا مقالاتی هم دربارهٔ شاهنامه نوشتید؟

\* بله. چند مقاله نوشتم که چاپ شده است. در هزارهٔ شاهنامه فردوسی هم شرکت کردم و مقاله‌ای مشترک با همسرم خانم لی ارائه دادیم. البته در آن موقع من سخت مریض بودم و اصلاً نمی‌توانستم صحبت کنم. همسرم در هزارهٔ شاهنامه فردوسی شرکت کرد.

به نظر شما ارزش شاهنامه در چیست؟ در بین این همه آثار ادبی فارسی، شاهنامه چه ویژگی‌های خاصی داشته که این همه تأثیرگذار بوده و ماندگار شده است؟



\* شاهنامه جزو آثار درجه اول فارسی است. به بیانی دیگر، شاهنامه اولاً زنده نگهدارندهٔ زبان فارسی است، علاوه بر آنکه قصه‌های باستانی را حفظ کرده و ارزش فرهنگی ادبی خاص خود را دارد. شاهنامه میراث زبانی و فرهنگی ملت ایران است. کمتر کشوری دارای اثری شگرف مثل شاهنامه است. در چین از این نوع آثار حماسی داریم. نامش تقریباً به فارسی «جوامع تاریخ» یا مثل جوامع‌التاریخ فارسی است. اثر حماسی به چینی داریم نوشتهٔ سوماجیان که مثل شاهنامه دربارهٔ داستان‌های حماسی-تاریخی است، اما بیشتر تاریخی است تا حماسی.

دانشمندی هندی به نام کویاجی دربارهٔ اساطیر ایرانی و چینی کتابی نوشته است و بررسی تطبیقی در این باره انجام داده است، آیا با نظر ایشان موافق‌اید؟

\* بله این اثر را خواندم، اما با نظریات او موافق نیستم. و حتی مقاله‌ای هم در رد آرای او نوشتم. ایشان شاهنامه را با یک رمان چینی مقایسه کرده‌اند. ولی اساطیر چینی مثل اساطیر ایرانی سیستماتیک نیست. پراکنده است، دارای روایاتی از دائوئیسم و آیین بودایی است. و حتی حکایاتی کنفوسیوسی دارد. مشکل است کسی بتواند آنها را از هم تفکیک کند و قهرمانان اساطیر را از درون آنها بیرون بکشد و تحلیل کند.

**آیا قهرمانانی مثل رستم، اسفندیار یا سیاوش، در اساطیر چینی پیدا می‌شود؟**

\* نه، اصلا در اساطیر چینی قهرمان به این شکل نداریم. آثار حماسی چینی نسبتا کوتاه است و مثل شاهنامه مفصل نیست. چطور چین با این تاریخ گسترده و چند هزار ساله، اثر



حماسی مدونی ندارد؟ قدمت تاریخ و فرهنگ چین حتی از ایران هم بیشتر است. چگونه نتوانسته اثری حماسی نظیر شاهنامه خلق کند؟ مثلا در یونان ایلیاد و اودیسه را داریم یا در هند مهابهارته را داریم. در چین با این سابقه تاریخی، به گفته شما اثری نسبتا جامع نداریم و فقط آثار کوچک و کم‌حجم‌تری در این زمینه آفریده شده است؟

\* من فکر می‌کنم که این تاثیر اندیشه کنفوسیوس بوده، او معتقد بوده که همه چیز باید در خدمت مردم باشد. فکر اصلی او در نظم و خدمت خلاصه می‌شده است. آنچه جنبه ذهنی دارد، موجب خلق آثاری شگرف در ادبیات می‌شود. در اندیشه کنفوسیوس بیشتر جنبه عملی و پراگماتیستی اهمیت داشته و از ذهنیت‌گرایی پرهیزی می‌کرده است. آن وقتی که هسته سیاسی چین در شمال بوده، زندگی بسیار سخت بوده

است. همه باید کار می‌کردند تا زنده بمانند. کمتر فرصت فکر کردن داشتند. کار ذهنی خود مستلزم فراغت است. شاید این یکی از دلایل آن باشد.

**آیا دائوئیسم هم در این ویژگی فرهنگی موثر بود؟ در آیین دائو که خیلی به جنبه ذهنی و عرفانی اهمیت داده می‌شده است؟**

\* بله، ولی این ذهنیت‌گرایی جنبه خاص داشته و متفکران و راهبان دائوئی را به انزوا در کوهستان وامی‌داشته تا برای رسیدن به حقیقت، راه دائو را در پیش گیرند. بیشتر در راه رسیدن به رستگاری و نجات تلاش می‌کردند و با طبیعت مانوس بوده‌اند.

**استاد! شما گویا کتابی از ذبیح‌الله صفا را هم به چینی ترجمه کرده‌اید. ممکن است بفرمایید نام کتاب چیست؟**

\* بله، نامش فرهنگ ایران و تاثیر جهانی آن است. ترجمه این کتاب را حدود ده سال قبل تمام کرده‌ام، اما به دلایلی در یکی از انتشارات پکن معطل مانده بود. در اینجا چاپ این قبیل کتاب‌های تحقیقی بسیار دشوار است و نیاز به حمایت دارد. بالاخره امسال قرار است چاپ و منتشر شود. زمانی دکتر ترابی پیغام دادند که آقای دکتر صفا می‌خواست از چین دیدار کند. من گفتم که در روز انتشار این کتاب از آقای دکتر ذبیح‌الله صفا دعوت کنیم که سفری به چین داشته باشد. اما متاسفانه چاپ کتاب آنقدر طول کشید که استاد صفا مرحوم شدند. من قبلا با دکتر صفا مکاتبه کرده بودم و خواستم که حقوق مولف را بپذیرند؛ و کتا اجازه ترجمه و چاپ را صادر کنند. ایشان اجازه چاپ دادند و هیچ چیزی مطالبه نکردند و در عوض گفتند که بسیار خوشحالم و بسی مایه افتخار من است که یکی از دوستان چینی که فارسی می‌داند کتاب مرا ترجمه کند. نامه او هنوز در دست من است.

**شما شاهنامه فردوسی را به نظم ترجمه کرده‌اید یا به نثر؟**

\* تماما به نظم ترجمه شده است. شعر چینی وزن هجایی دارد. شاهنامه‌ای که من به چینی ترجمه کردم، تماما و بیت به بیت قافیه دارد.

**کار بسیار دشواری بوده، یعنی شما برای شش جلد شاهنامه تقریبا سی هزار بیت مقفا ساختید؟ شگفت‌آور است!**

\* شما می‌دانید که در چین شعر سابقه کهنی دارد. ما شعری به نام شی ویو در شمال چین در اطراف استان شین سی داریم که شبیه بحر متقارب شاهنامه است و هر بیت قافیه دارد، مثل مثنوی. شون تیان‌پو البته یافتن قافیه در زبان چینی خیلی هم دشوار نیست، چون کلمات زیادی دارد.

**بوستان و گلستان سعدی را هم ترجمه کردید؟**

\* بله. به همین شکل. بوستان را به شعر منظوم و قافیه‌دار به

چینی برگردانده‌ام و برای گلستان هم حتی سجع‌ها را با قافیه آورده‌ام و آهنگین است. بعد از شاهنامه، گلستان را ترجمه کردم. اما بوستان را قبل از شاهنامه ترجمه کردم.

**چه بخشی از تفکر سعدی برای تان جذاب بوده است؟ چون آثاری مثل گلستان و بوستان با شاهنامه خیلی تفاوت دارد. هم از نظر اندیشه و هم از نظر سبک و ساختار شعر.**

\* سعدی شاعر تعلیمی و اخلاق‌گرای ایرانی است. آثار تعلیمی او بی‌نظیر است. شما می‌دانید که خود سعدی هم در بوستان گفته که می‌خواستیم حکایات کوتاه بنویسم تا جنبه اخلاقی داشته باشد تا با دیگران که داستان‌های مفصل نوشته‌اند، همسری کند. سعدی استاد اخلاق بوده است و حکمت خردمندان و درویشان کهن را یادآور می‌شود.

**کتاب مهم دیگر شما، ترجمه لیلی و مجنون نظامی است. آیا این اثر را هم به صورت منظوم برگردانده‌اید؟**  
\* بله، به طور کامل منظوم و قافیه‌دار.

**بین ترجمه‌های متعددی که از شاهکارهای ادب فارسی دارید، کدام یک بیشتر مورد استقبال چینی‌ها قرار گرفته است؟**

\* بوستان سعدی بیشتر از همه مورد استقبال قرار گرفته است. دکتر مظفر بختیار در آن سال‌هایی که در دانشگاه پکن تدریس می‌کرد، سفری به استان شین جیان (سین کیانگ) چین داشت و گفته بود که ترجمه چینی بوستان سعدی مرا در آنجا بدون اجازه چاپ و در بین مسلمانان پخش کرده‌اند و به من گفت که باید جلوی آن را بگیرم و پی‌گیری کنم. اما چه می‌شود کرد؟ اگر قرار است آن را بخوانند و تاثیر بگیرند، پس بهتر است آزادانه آن را چاپ و منتشر کنند. می‌دانید که در آنجا می‌خواستند در مساجد و مدارس به عنوان کتاب درسی از بوستان استفاده کنند.

**شاهنامه چطور، آیا مورد استقبال واقع شد؟ آیا این اولین ترجمه از شاهنامه بود که چاپ شد یا در ادوار گذشته هم از آن ترجمه شده بود؟**

\* یکی از دوستان من در شانگهای به نام پان چن جی لین در ۱۹۶۴ داستان رستم و سهراب شاهنامه را از زبان روسی به چینی ترجمه و منتشر کرده بود. پیش از آن نیز آقای جان سی لیان شاهنامه را معرفی کرده و شرح داده بود، اما ترجمه نکرده بود. ترجمه من اولین ترجمه از زبان فارسی به چینی است.

**این شاهنامه که چاپ شد آیا در دانشگاه‌ها و محافل ادبی نقد و بررسی شد؟**

\* بله. به خصوص مورد توجه کسانی قرار گرفت که به نحوی با شرق‌شناسی و ایران‌شناسی ارتباط داشتند. یا حتی کسانی که در حوزه تاریخ کار می‌کردند، برایشان تاریخ اساطیر ایران جالب توجه بوده است.

در دانشگاه پکن دو استاد از دانشکده تاریخ گفتند که شاهنامه را قبلاً به زبان روسی می‌خواندند و از آن استفاده می‌کردند و برای آنها بسیار دشوار بود. چون برای مسائل تاریخی و جغرافیایی به آن نیاز داشتند. ترجمه چینی شاهنامه به آنها کمک کرد که مضامین اساطیر و تاریخی مربوط به ایران باستان را از نو مطالعه و بررسی کنند و به نظریات تازه دست یابند.

**گویا شما درباره اساطیر ایران نیز تحقیق می‌کنید؟**

\* بله. مدتی است که این موضوع برایم جذابیت پیدا کرده است. به خصوص اینکه برنامه‌ای تحقیقاتی در دست است که درباره اساطیر ملل مجموعه آثاری نوشته و منتشر شود. بخش مربوط به اساطیر ایران را به من سپردند که خود انگیزه‌ای شد برای تحقیق جامع‌تر درباره اسطوره‌های کهن ایرانی. من کتاب پژوهشی در اساطیر ایران را تهیه کردم و از آن استفاده می‌کنم. کتاب خانم دکتر ژاله آموزگار، تاریخ اساطیری ایران را هم که شما لطف کردید از ایران آوردید، هر چند مختصر، ولی بسیار سودمند است. من مشغول خواندن آن هستم. از کتاب اوستا هم بسیار استفاده کردم.

**من کتاب جستاری در فرهنگ ایران اثر دکتر مهرداد بهار را هم در اینجا دارم که به شما تقدیم می‌کنم، امیدوارم از آن هم استفاده کنید، چون چند مقاله درباره اساطیر ایران و شاهنامه در این کتاب هست.**

\* خیلی متشکرم. هدیه بسیار ارزشمندی است. حتماً از آن استفاده می‌کنم.

**بین شاعران ایرانی که شما سال‌های سال وقت گرانبهای خود را صرف تحقیق و ترجمه آنها کردید، کدام یک را بیشتر دوست دارید و چرا؟**

\* من بیشتر شیفته خیام هستم، رباعیاتش به نظر من چکیده فلسفه و حکمت ایرانی است. خیام اول اینکه زبانش بسیار آسان است، ثانياً فکر و جهان‌بینی درخشانی دارد. خیام حتی تاثیر جهانی داشته و فکر و اندیشه او قرن‌ها ادیبان و اندیشمندان غرب را به خود مشغول کرده است. شهرت جهانی خیام دلیل خاصی دارد.

**شاید به این دلیل که اندیشه خیام به نوعی به اندیشه اپیکور شبیه است و غربی‌ها از این دیدگاه، اندیشه او را بهتر می‌توانستند هضم کنند.**

\* بله، طبیعی است که جنبه اپیکوری در شعر خیام بسیار قوی است. اما از نظر ما چینی‌ها رباعیات خیام به شعر شاعر کلاسیک چینی لی بای (قرن ۸ میلادی) هم خیلی نزدیک است. توصیف شراب و برداشت سمبولیک از آن نیز در شعر هر دو شاعر دیده می‌شود. هر دو شاعر از گذرا بودن و ناپایداری این جهان سخن گفته‌اند و پناه بردن به می و بهره‌مندی از زیبایی، طبیعت و خوشی این دنیا را در شعر خود ستوده‌اند. احساسات مشترک این دو شاعر جهانی قابل بررسی عمیق

است. از جنبه ادبی و سبکی هم من به اشعار نظامی علاقه‌مندم. نظامی واقعا استاد سخن و سخنوری بوده و سبک او بی‌نظیر و فاخر است. مقاله‌ای با عنوان «مقایسه لیلی و مجنون نظامی و رومئو و ژولیت شکسپیر» نوشته و این دو اثر را بررسی تطبیقی کرده‌ام. اگر از نظر زبان این دو اثر را بسنجیم، اثر نظامی استوارتر و محکم‌تر است. ساختار زبان نظامی در این اثر بی‌نظیر است. بی‌شک می‌توان او را خدای سخن به شمار آورد. البته، من ترجمه چینی آثار شکسپیر را می‌خوانم، نه اصلش را.

**تا آنجا که می‌دانیم، در دانشگاه پکن بخش زبان فارسی دایر است و مرکز فرهنگی ایران هر دو سال یک بار سمینار برگزار می‌کند و سلسله مقالاتی را با عنوان کلی ایران‌شناسی به چینی و با چکیده انگلیسی منتشر می‌کند. گویا امسال هم یک جلد مستقل مجموعه ایران‌شناسی در چین به زبان انگلیسی را با نظارت پروفسور ایه ای لیان منتشر می‌کند. و در دانشگاه بین‌المللی شانگهای هم که بنده در آن فعالیت دارم هم کرسی زبان و ادبیات فارسی دایر است و مرکز تاریخ و فرهنگ ایران در پردیس جدید این دانشگاه واقع در سون جیان، دارای کتابخانه نسبتا جامعی در زمینه ایران‌شناسی است. همچنین سال گذشته با تلاش یکی از همکاران و اینجانب و با پشتیبانی سرکنسولگری ایران در شانگهای، مرکز مطالعات ایرانی در پژوهشکده مطالعات خاورمیانه دانشگاه بین‌المللی شانگهای افتتاح شد. آیا غیر از این مراکز، مراکز دیگری در چین در زمینه ایران‌شناسی فعال است؟**

\* بله، در استان لویانگ، دانشگاه زبان‌های خارجی ویژه نظامیان هم کرسی زبان فارسی دایر است و بعضی از همکاران ما در آنجا فعالیت می‌کنند. در پکن، غیر از دانشگاه پکن، در دانشگاه رادیو و تلویزیون پکن هم به صورت ادواری دانشجو می‌پذیرد. خانم وین ایه سون در آنجا تدریس می‌کند. هر دو سه سال یک دوره دانشجو می‌گیرند و فارسی می‌آموزند تا پژوهشگر و خبرنگار و گوینده تربیت کنند. در استان شین جیان (سین کیانگ) هم گویا قرار است کرسی زبان فارسی افتتاح شود.

**آیا مراکز دیگری هست که کرسی فارسی نداشته باشد، اما به زبان چینی درباره فرهنگ ایرانی تحقیق کنند؟**

\* بله در فرهنگستان علوم اجتماعی، بخش دینی و تاریخی و حتی بخش ادبی دایر است که پژوهشگران چینی در زمینه خاورمیانه و به خصوص درباره ایران تحقیق می‌کنند و آثار متعددی در این زمینه به زبان چینی تألیف کرده‌اند.

**آیا مجله شرق‌شناسی در چین چاپ می‌شود؟**

\* بله در دانشگاه پکن سلسله مقالاتی به نام «ایران‌شناسی در

چین» منتشر می‌شود. برنامه‌ای نیز به نام «پایگاه فرهنگ شرقی» با نظارت وزارت تربیت هست که تحقیق می‌کنند و گاه مطالبی چاپ می‌کنند. من در یکی از برنامه‌های آنها شرکت کردم و درباره نقد ادبی در ایران مقالاتی نوشتم. خانم وانگ یی دان و خانم موهون یان از فرهنگستان علوم اجتماعی هم در این برنامه فعالیت دارند. شنیده‌ام که در فرهنگستان علوم اجتماعی، گروهی درباره ایران و اسلام تحقیق می‌کنند. چون آنها یک هیئت پژوهشی به سرپرستی یکی از استادان به نام سون سیان به ایران اعزام کردند و درباره پزشکی اسلامی در ایران و جهان عرب و پزشکی کهن چین تحقیق کرده‌اند و چندین جلد کتاب نوشته‌اند. حتی اعلام کرده‌اند که کتابی به نام فرهنگ ایران به قلم یکی از استادان دانشگاه جیانگ سی با عنوان لیه جان که استاد تاریخ است تألیف شده است. وی انگلیسی خوب می‌داند و به کمک آثار انگلیسی، اطلاعات تاریخی ایران را تدوین کرده است.

**شما گفتید که کتاب زرتشتیان خانم مری بویس به چینی هم ترجمه شده است؟**

\* بله، کتاب یک جلدی بویس ترجمه شده، اما اثر چند جلدی او هنوز ترجمه نشده است. ایشان در این کتاب ویژگی زندگی زرتشتیان قدیم و جدید را شرح داده‌اند.

البته درباره زرتشتیانی که به هند مهاجرت کرده‌اند، هم مطالبی سودمند به دست می‌دهد. یعنی درباره پارسیان هند. من در بمبئی با پارسیان هند ملاقات کردم. متأسفانه آنها دیگر فارسی بلد نیستند و حالا دیگر باید به انگلیسی با هم مرادوه داشته‌باشند. از آتشکده زرتشتی در بمبئی هم دیدن کرده‌ام. غیر از این کتاب، کتابی کلاسیک هم درباره مهاجرت زرتشتیان به هند در دست است به نام قصه سنجان که بسیار ارزشمند است. حالا استاد، شما چه پیشنهادی برای گسترش زبان فارسی و تحقیقات ایران‌شناسی در چین دارید. چون روابط اقتصادی و تجاری ایران و چین روز به روز گسترده‌تر می‌شود و این خود مستلزم روابط گسترده فرهنگی است. شما در این زمینه چه پیشنهادی دارید؟

\* باید دولت و محققان و دانشمندان در این زمینه گام‌های تازه‌ای بردارند. ما از طرف دولت نیازمند حمایت و پشتیبانی مادی و معنوی هستیم. چون بدون حمایت مالی واقعا کار تحقیقی اصلا پیش نمی‌رود. حمایت فقط نباید در حرف باشد، بلکه در عمل باید قدم‌های جدی و گسترده برداشت. کار علمی و فرهنگی اساسا نباید جنبه تبلیغی به خود گیرد، بلکه باید صرفا آکادمیک و علمی باشد و کار را باید به باردان بسپارند. از سوی دانشمندان هم باید همکاری نزدیک‌تر به وجود آید. من فکر می‌کنم که همکاری دانشمندان ایرانی بسیار ذی‌قیمت است. استادان چینی بدون همکاری استادان ایرانی نمی‌توانند کار عمیق،

مستمر و فراگیر انجام دهند. از این گذشته تهیه منابع اصیل از ایران خیلی مهم است. چرا باید منابع مورد استفاده پژوهشگران فرهنگستان علوم اجتماعی فقط از منابع روسی و انگلیسی یا دیگر زبان‌ها باشد؟ چرا نباید اصل منابع را از ایران تهیه کنند و تحلیل دانشمندان ایرانی را مورد بررسی قرار ندهند؟ دانشجویان ما حتی برای تهیه فرهنگ انگلیسی - فارسی یا فارسی - انگلیسی مشکل دارند، حتی هنوز فرهنگ جیبی فارسی - چینی یا چینی - فارسی وجود ندارد. ما از مقامات دولتی انتظار کمک و پشتیبانی بیشتر داریم. چاپ مجموعه شاهکارهای ادب فارسی که بر عهده یک ناشر چینی است، از کمک و پشتیبانی سفارت ایران نیز بهره‌مند شد. رایزنی فرهنگی سفارت ایران نیز شماری از این کتاب خریداری کرده است.

**یک نمونه‌اش آخرین کتاب شما، تاریخ روابط چین و ایران از روزگار اشکانی تا شاهرخ تیموری، است که پس از چند سال هنوز به چاپ نرسیده است.**

\* بله، این کتاب بر اساس قدیم‌ترین اسناد چینی مربوط به روابط تاریخی اجتماعی و فرهنگی دو کشور باستانی ایران و چین تدوین شده است و سال‌ها پیش آماده چاپ بود تا اینکه در چهارمین سمینار زبان و ادبیات فارسی در پکن با جناب‌عالی آشنا شدم و با مساعدت شما قرار است این کتاب در ایران منتشر شود.

**استاد، از اینکه وقت گرانبهای خود را در اختیار ما گذاشتید بسیار سپاسگزارم.**

\*\*\*

## گفت‌وگو با خانم لی شان

**سرکارخانم لی شان، شما چطور شد که وارد بخش فارسی دانشگاه پکن شدید؟ آیا پیش از ورود، از ایران اطلاعاتی داشتید؟**

\* من خودم تخصص زبان فارسی را انتخاب نکردم. زیرا من قبل از ۱۹۵۸ شروع به تحصیل در زبان فارسی کرده بودم، اطلاعاتم درباره ایران بسیار کم و محدود بود و زبان فارسی برای من کاملاً یک زبان بیگانه بود. وقتی وارد دانشگاه شدم، رفت و آمد کشور ما با کشورهای دیگر روز به روز بیشتر شد. دولت ما به مترجم زبان‌های خارجی احتیاج زیادی داشت، از این رو من و هم‌کلاسمان به بخش‌های مختلف زبان‌های خارجی دانشگاه پکن فرستاده شدیم. در اولین درس برای اولین بار خط پریچ و خم فارسی را دیدم و سعی کردم از آنها الفبا را از هم جدا و تشخیص دهم، واقعا از آن دلخور شدم. علاوه بر این در آن زمان، ما نه کتاب‌های فارسی و دستور زبان داشتیم نه فرهنگ فارسی. شیوه تدریس معلم نیز بی‌نظم و ترتیب بود. زبان فارسی در چشم ما مانند

زبانی بود که از آسمان به زمین نازل شده باشد. شاید به همین جهت بود که از ته دل احساس کردم برای آموزش فارسی، اول باید یک کتاب درسی شایسته و دستور زبان داشت. به همین علت بعد از آن که معلم فارسی شدم با علاقه تمام در کار تدریس و تدوین کتاب فارسی شرکت کردیم. علاقه من به فارسی در جریان آموزش و کار تدریس روز به روز بیشتر شد. به‌ویژه من مینیاتور ایران و آثار سعدی را دوست دارم. در آن زمان دلم می‌خواست روزی این کشور را که در حدود بیش از ده سال با زبان آن سر و کار داشتیم، از نزدیک ببینم. بالاخره چنین فرصتی به من دست داد.

### شما برای اولین بار کی به ایران سفر کردید؟

سال ۱۹۷۴ بود که خط هوایی بین چین و ایران باز شد. من با یک هیئت توریستی با اولین هواپیما به ایران سفر کردیم. آن دیدار در خاطرم اثر خوب و عمیقی گذارده است. هر جا که می‌رفتم و هر چه که می‌دیدم و همه افرادی که با ما تماس داشتند با آنها احساس بیگانگی نمی‌کردم، بر عکس همه چیزها و تمام افراد برایم صمیمی و نزدیک بودند.

### چه پیشنهادهایی برای تدریس زبان و ادبیات فارسی در چین دارید؟

\* نکته مهم در تدریس زبان فارسی در جریان تجربه ۲۰ سال‌ام این است که یک معلم باید علاقه به فراگیری این زبان را در شاگردان برانگیزد. پیشنهاد من این است:

۱. باید از اولین روز شاگردها را تشویق کرد که هر چه یاد می‌گیرند، به کار برند، حتی یک یا دو کلمه.

۲. در ضمن شنیدن و صحبت کردن زبان فارسی باید دستور زبان را یاد داد و به‌خصوص باید تفاوت‌های بین فارسی و چینی را به شاگردان نشان داد.

۳. شروع شدن درس انشانویسی از سال اول. این کار را می‌توان از جمله‌سازی شروع کرد و تا آنجا که ممکن است هر چه زودتر جمله‌سازی را به انشانویسی تبدیل کرد. معلم پس از بررسی و تصحیح انشاهای شاگردان، باید همان‌جا در کلاس و سر درس نارسایی و درستی انشاهای را به همه شاگردان شرح و توضیح دهد. در سال دوم، سوم و چهارم بهتر است استادان یا کارشناسان ایرانی این درس را به عهده گیرند.

۴. آشنایی و معرفی ایران. از سال اول آموزش زبان فارسی باید شاگردان را با درس ادبیات، هنر، فرهنگ، تاریخ، جغرافیا، مذهب، عادات و رسوم و اوضاع کنونی ایران آشنا کنند. در ضمن باید کتاب‌های مربوط به ایران (فارسی یا چینی) را به شاگردان معرفی کرد.

۵. باید از افراد یا دانشمندانی که ایران‌شناسانند، دعوت کرد که برای شاگردان صحبت یا سخنرانی کنند. بعد تربیتی داده شود که دانشجویان سر آن موضوع بحث کنند.

**از شما هم سپاسگزارم که وقت خود را در اختیار ما گذاشتید.**